



رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از شناسایی و دستگیری اعضای باند قاچاق سازمان یافته کلان بین المللی سوخت موسوم به «طوفان» با گردش مالی ۱۶۷ هزار میلیارد تومان خبر داد.

به گزارش جام جم، مجتبی قهرمانی با اشاره به عزم جدی دستگاه قضایی به منظور مقابله همه جانبه با قاچاق سوخت ابراز کرد: با اقدامات انجام شده توسط سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان هرمزگان و پس از حدود دو سال کار اطلاعاتی شبانه روزی و عملیاتی در سطح داخلی و بین المللی؛ یک باند سازمان یافته موسوم به طوفان که توسط سرشیکه های داخلی و خارجی مدیریت و راهبری می شد، شناسایی و تعدادی از متهمان آن دستگیر شدند.

وی افزود: در زیرمجموعه این باند کلان، ۲۵ شبکه سازمان یافته دیگر فعالیت داشتند که پس از شناسایی سرشیکه ها و رصد فعالیت های آنها مشخص شد خریدار اصلی سوخت در چرخه انتقال این شبکه بزرگ، یک شرکت بین المللی مستقر در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

قهرمانی با اعلام این که تمامی شگردهای ارتباط مالی و پولشویی این باند و شرکت خارجی خریدار سوخت

ضربه سنگین به طوفان



مستند شده است، خاطرنشان کرد: متهمان اصلی به منظور هدایتگری، شبکه های کوچکتری راه اندازی و ضمن بهره گیری از قاچاقچیان حرفه ای در حلقه اول این شبکه ها، در سال های اخیر بیش از چهار میلیارد لیتر

سوخت به خارج از کشور قاچاق کرده اند. رئیس کل دادگستری استان هرمزگان تصریح کرد: حساب های بانکی ۷۵۳ نفر از قاچاقچیان سوخت و مرتبیتن آنها رصد شده و میزان گردش مالی این افراد

در چند سال اخیر بیش از ۱۶۷ همت است که در همین راستا برای هریک از آنها به صورت جداگانه پرونده ای نیز جهت رسیدگی به اتهامات شان دایر بر پولشویی تشکیل شده است.

قهرمانی افزود: در مراحل اولیه جهت جلوگیری از عایدی ناشی از قاچاق، قریب به ۱۰ هزار نفر از مظنونان به دلیل مرادات غیرمعمول ممنوع معامله شدند و با صدور دستور قضایی، ۴۳۲ فروند لنج صیادی و تجاری نیز که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با شبکه مذکور ارتباط داشتند جهت بررسی بیشتر و مشخص شدن نقش مالکان آنها در قاچاق سوخت به صورت سیستمی توقیف شد.

این مقام قضایی در ادامه به ابعاد وسیع تر این پرونده و نحوه پولشویی توسط این باند اشاره و اظهار کرد: اعضای اصلی شبکه به منظور از بین بردن منشأ مجرمانه پول و پنهان کردن ماهیت واقعی، با برخی مدیران شبکه بانکی ارتباط برقرار و تعدادی از مدیران بانک ها ضمن عدم اعلام معاملات مشکوک با آنها در امر پولشویی همکاری کرده اند.

وی اضافه کرد: تاکنون تعدادی از مدیران بانکی نیز شناسایی و بازداشت شده اند و جهت تعیین تکلیف اموال و درآمدهای نامشروع حاصل از قاچاق سوخت نیز برای متهمان در دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی تشکیل پرونده شده و در حال بررسی است.

محاكمه نوه به اتهام قتل مادر بزرگ وعمو

قرار گرفت. حین درگیری با مهران چند ضربه هم به مادر بزرگم اصابت کرد.

رئیس دادگاه پرسید آن روز مشروب خورده بودی که پرهام گفت: نه اصلا.

رئیس دادگاه درباره تعداد ضربه هایی که به مقتولان زده بود پرسید که پسر جوان مدعی شد دو سه ضربه به مادر بزرگش خورده و سه چهار ضربه هم به عمویش زده است. خودش هم در این درگیری دست و پایش مورد اصابت چاقو قرار گرفته بوده به طوری که تاندون های دستش قطع شده است.

رئیس دادگاه پرسید: پزشکی قانونی تعداد ضربات را بیشتر اعلام کرده، در این رابطه چه می گویی که متهم مدعی شد افرادی بعد از او به خانه رفته و احتمال دارد آنها ضربات رازده باشند.

وکیل متهم نیز در دفاع از او گفت: موکلم در این ماجرا از خودش دفاع کرده است. مهران ابتدا به او حمله کرده بود. پرهام با پیچیدن پتویی دور دستش دفع ضربه کرده و قصد فرار داشته که مادر بزرگش مانع او می شود. با توجه به اندازه جراحات وارد شده به مقتولین به نظر می رسد فقط یک چاقو در محل نبوده و این شائبه به وجود می آید که ضربات را چند نفر وارد کرده اند. موکلم ساعت ۱۶ و ۱۵ دقیقه از خانه خارج می شود و ۱۶ و ۳۰ دقیقه دوتفر دیگر سراسیمه آنجا راترک می کنند.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش یکی از دختران زن سالخورده به این اظهارات واکنش نشان داد و گفت: آن روز با مادرم که صحبت کردم، گفت درد سنگ کلیه مهران عود کرده است. چند دقیقه بعد که زنگ زد م پرهام به آنجا آمده و ادعا کرده با دو نفر دعوا کرده و سراغ عموهایش آمده تا آنها را آشتی دهند. بعد هم یکی از همسایه ها رنگ زد و ما چرا را برای من گفت که وقتی به خانه رسیدم، آنجا غرق در خون بود. پرهام ۵۸ ضربه به مهران ۲۸ ضربه به مادرم وارد کرده بود.

رئیس دادگاه در پایان از پرهام خواست آخرین دفاع خود را مطرح کند که او اظهار داشت: من برای آشتی کردن به آنجا رفتم و با خود شیرینی بردم. کسی که برای دعوا بیرون به جای شیرینی جاقو با خودش می برد. من جاقو همراه نداشتم و در آنجا از خودم دفاع کردم.

قضات دادگاه پس از رسیدگی به این پرونده، برای صدور حکم وارد شور شدند.



چاقو به قتل رسانده و از محل متواری می شود. متهم در دادسرا دفاع مبتنی بر دفاع مشروع را مطرح کرده که باتوجه به محتویات پرونده برای وی درخواست مجازات قانونی دارم.

رئیس دادگاه سپس از پرهام خواست در برابر اتهاماتش از خود دفاع کند که او بعد از قرار گرفتن در جایگاه اظهار داشت: از عمد این کار را نکردم. عمویم شاهین بر سر این که آدرس خانه او را به همسر سابقش داده بودم از من ناراحت بود. آن روز شاهین با من تماس گرفت و خواست برای آشتی به خانه مادر بزرگم بروم. من هم یک جعبه شیرینی گرفتم و به آنجا رفتم اما شاهین آنجا نبود و مادر بزرگم و مهران همراه دو نفر از دوستان عمویم در خانه بودند. مهران از من خواست بروم آبمیوه و دلستر بگیرم که در راهرو متوجه شدم او تلفنی در حال صحبت با عمویم شاهین است. به اومی گفت پرهام به اینجا آمده و می خواهم یک دستش را ببینم. بعد به آشپزخانه رفتم و چاقو به دست سمت من آمد و یک ضربه به دستم زد که تاندون دستم قطع شد. یکی از دوستانش هم بلند شد که کنار او یک چاقو بود. چاقوی مهمان را برداشتم و پتویی دور دستم پیچیده و با آن جلوی ضربه های مهران را می گرفتم خواستم از آنجا فرار کنم اما مادر بزرگم جلوی در ورودی گلدانی را به سرم کوبید. بعد هم میان من و مهران

جست وجوی ۲۷۰ تن زباله

برای کیسه طلایی



گم شدن کیسه زباله حاوی بیش از ۵ میلیارد تومان طلا در میان ۲۷۰ تن زباله تفکیک نشده در یک سایت زباله در بروجرد، کابوسی بود که سرانجام با تلاش کارگران سازمان پسماند شهرداری بروجرد

ختم به خیر شد. مالک طلاها به پاس این خدمت ارزشمند با پرداخت مزدگانی از کارگری که طلاها را پیدا کرده بود، تقدیر کرد. این اولین بار نیست که کیسه حاوی طلا به اشتباه درون سطل زباله انداخته می شود و این بار در بروجرد رخ داد. حدود یک هفته پیش بود که مالک طلاها دو کیسه سیاه کنار هم قرار داد. یکی از کیسه ها حاوی زباله و کیسه دوم، بیش از پنج میلیارد تومان طلا. مالک طلاها به اشتباه کیسه زباله را برداشت و به جای آن کیسه طلاها را درون سطل زباله شهرداری انداخت.

شهاب شعبان، مدیر سازمان پسماند شهرداری بروجرد در این باره به جام جم گفت: «پس از این اتفاق مالک طلاها به سازمان مراجعه و درخواست کمک کرد. با بررسی دوربین ها مشخص شد مالک طلاها را درون سطل زباله انداخته و خودروی شهرداری نیز آن را به سایت زباله منتقل کرده است. قرار بود، زباله ها دفن شود و اگر این اتفاق می افتاد، طلاها نیز دفن می شد. ضمن این که مالک طلاها می گفت که داخل کیسه طلاها، شناسنامه و کارت ملی اش هم بود. ۳۳ نیروی کارگر سازمان فراخوانده شدند تا سایت زباله های تفکیک نشده را تفکیک کنند که اقدام ساده ای نبود. ساعاتی این جست وجو ادامه داشت تا این که یکی از کارگران بخش توانست کیسه طلاها را پیدا کند. در تمام این مدت مالک طلاها نیز شاهد عملیات جست وجو بود و سرانجام پس از گذشت شش ساعت کیسه طلاها پیدا و تحویل مالک آن شد.»

قاتل دختر خاله

پای چوبه دار

دیروز آخرین جلسه صلح و سازش مردی که در جشن موسوم به ولنتاین نامزدش را به قتل رسانده بود بی نتیجه ماند و او یک گام به مرگ نزدیک تر شد. همچنین راننده ای که در جریان سبقت خیابانی مرتکب قتل شده بود چهارم راه برای جلب رضایت مهلت گرفت.

به گزارش خبرنگار جام جم، اولین زندانی به نام شهاب، ششم اسفند سال ۱۴۰۱ با دوست خود به قصد تفریح با خودروی بیرون رفتند. قصد سبقت از ماشینی را داشتند که راننده آن مانع شان شد. بعد از طی مسافتی دو خودرو متوقف و رانندگان با هم درگیر شدند. با شدت گرفتن درگیری شهاب با چاقویی که داشت راننده مقابل را به قتل رساند و بعد از چند روز فرار دستگیر و زندانی شد. او مدتی بعد در شعبه دهم کیفری یک استان تهران محاکمه و باتوجه به خواسته خانواده مقتول به قصاص محکوم شد. این رأی در شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور تأیید و به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنبایی تهران ارسال شد. دومین زندانی فرشید، نامزدش را بیست و نهم بهمن سال گذشته همزمان با شب موسوم به ولنتاین، در خودروی پرایدی در حوالی پل استخر در شرق تهران، با ضربه های چاقو به قتل رساند و بعد از خودکشی کرد که البته زنده ماند. فرشید مدتی بعد در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. خاله امروز پای چوبه دار خواهد رفت.

مردی که به بهانه ماساژ درمانی به خانه های مردان می رفت و با بیهوش کردن آنها، اموال شان را به سرقت می برد، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل شهریور امسال مردی با حضور در شعبه هشتم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از مهمان خانه اش به اتهام سرقت مقرون به دستور شکایت کرد. پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکي در اظهاراتش گفت: دو هفته قبل در اینستاگرام با مردی جوان آشنا شدم که خودش را ماساژور معرفی کرد و دوستی مان ادامه یافت. اعتمادم به وی جلب شد و آن شب برای ماساژ درمانی به خانه ام آمد. یک بطری دوغ آورده بود که قرار شد شام بخوریم و بعد ماساژ درمانی کند. بعد از خوردن دوغ یکدفعه سرم گیج رفت و بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم یک

شبانۀ روز گذشته بود. گوشه تلفن همراهم، پول های نقد، طلا و تعدادی سکه و نیز بخشی از اموال و اثاثیه آننیک و گران قیمت خانه ام سرقت شده بود. او تلفنش را خاموش کرده و اینستاگرامش هم مسدود شده بود. در ادامه تحقیقات، و مرد جوان دیگر نیز به پلیس آگاهی تهران آمدند و از مردی به اتهام سرقت مقرون به آزار شکایت کردند. معلوم شد آنها نیز در

سرقت با طعم دوغ و ماساژ

دام همان ماساژور سارق گرفتار شده اند. حتی یکی از شاکیان جدید در اظهاراتش گفت: ماساژور سارق وقتی من بیهوش بودم، گوش ام را برداشت و با اثر انگشتم آن را بازکرد. فیلمی غیراخلاقی را در اینترنت پیدا و به من منتسب کرد و سپس آن را در استوری اینستاگرام منتشر کرد.

تحقیقات برای دستگیری سارق مقرون به آزار ادامه داشت تا این که پس از گذشت نزدیک به سه ماه از این ماجرا مأموران به سرخ هایی دست یافتند که نشان می داد متهم فراری در یکی از زندان های شمال کشور به اتهام سرقت مقرون به آزار در بازداشت است. متهم برای ادامه تحقیقات از زندان به پلیس آگاهی تهران منتقل شد و در مواجهه حضوری با شاکیان به سرقت های مقرون به آزار اعتراف کرد و گفت: خودم را به دروغ ماساژور معرفی و با مردان

ارتباط دوستی برقرار می کردم. سپس با دوغ مسموم آنها را بیهوش و اموال شان را سرقت می کردم. کوشکی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم او در بازداشت به سر می برد و تحقیق برای کشف اموال سرقتی و دستگیری مالخران ادامه دارد.



جام جم

حوادث

INCIDENT

چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۴ ■ شماره ۷۱۹۴

🔴 کوتاه از حوادث

گاز گرفتگی ۳۶ دانش آموز در اهر

مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان اهر از مسمومیت خفیف ۳۶ نفر از دانش آموزان یک مدرسه در اهر در اثر گاز گرفتگی خبر داد. حسن نیک آذر در این باره به ایستگفت: در پی گاز گرفتگی در سالن ورزشی یکی از مدارس اهر، ۳۶ دانش آموز مسموم شدند. دانش آموزان به بیمارستان منتقل و ساعتی بعد از درمان مرخص شدند.

سوء قصد به مرد نیکوکار

مردی که فعال حوزه محرومیت زدایی و مبارزه با مواد مخدر در حاشیه شهر زابل بود مورد سوء قصد قرار گرفت.

به گزارش مهر، حجت الاسلام رضا صیادی، فعال حوزه محرومیت زدایی و مبارزه با مواد مخدر، ظهر سه شنبه در حاشیه شهر زابل مورد سوء قصد قرار گرفت. تحقیقات اولیه نشان می داد، هنگام عبور این روحانی جهادگر از مسیر کمربندی آیت الله سیستانی زابل، دو موتورسوار با صحنه سازی تصادف ساختگی، او را متوقف کرده و در ادامه چند نفر دیگر که از پیش در کمین بودند، به وی حمله ور شدند. فرد مسموم به بیمارستان منتقل و تحت درمان قرار گرفت. مهاجمان پس از ضرب و شتم هیچ وسیله شخصی ای از وی رابا خود نبردند.

قاتل در محل جنایت دستگیر شد

درگیری خونین دو نفر در شهرک صنعتی حیدریه قزوین به جنایت منجر شد.

سرهنگ علی اصغر جمالی، جانشین فرمانده انتظامی استان قزوین به سایت پلیس گفت: در پی تماس یکی از شهروندان با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ و اعلام درگیری خونین در شهرک صنعتی حیدریه تاکستان، مأموران به آنجا اعزام شدند. مشخص شد نگهبان یکی از شرکت های تولیدی با راننده یک تریلر، به دلیل اختلافات شخصی با هم درگیر شده اند و نگهبان شرکت با ضربات چاقو راننده را به قتل رسانده است. او دستگیر و به قتل اعتراف کرد.

بازداشت هم خانه در پی مرگ مشکوک

دختر جوان به طور مشکوکی در خانه شان در غرب تهران فوت کرد و پسری که هم خانه او بود به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح سه شنبه ۲۷ آبان امسال، مأموری از کلانتری باغ فیض بابا زپرس کشیک قتل دادسرای جنبایی تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوک دختری جوان در خانه ای در غرب تهران خبر داد. بررسی اولیه نشان داد ساعاتی از مرگ او گذشته است. مشخص شد مردی همراه دختر بوده و هم خانه ای اش است؛ او بازداشت شد. این مرد در تماس با اورژانس درخواست کمک کرده بود اما وقتی امدادگران رسیدند، دختر جانش را از دست داده بود.

همسایه ها هم در تحقیقات گفتند شب قبل صدای درگیری شدید و دختر و این مرد جوان را شنیده بودند و پس از مدتی صدای مشاجره قطع شده بود.

مأموران سپس به تحقیق از پسر جوان پرداختند که گفت: مدتی قبل در یک مهمانی شبانه با فرناز دوست شدم. هر دو مواد مصرف می کردیم. این خانه را چندماه پیش اجاره کرده و هم خانه شدیم. من به کمپ رفته بودم و او در این خانه تنها بود. بعد از یک هفته که برگشتم، از او خبری نبود. سراغ او را از خواهرش گرفتم که گفت آنجا نیست. چند ساعت در خانه منتظر ماندم تا این که او آمد. با او جروبوت کردم که گفت خانه دوستانش رفته و همین باعث دعوی مان شد که چرا بدون اجازه من رفته است. عصبانی شدم و او را به شدت تنگ زدم.

مرد جوان ادامه داد: پس از آن هر کدام جداگانه مواد مصرف کردیم. کمی بعد درخواست کرد. دعوا پایان یافت و دوباره با هم آشتی کردیم. آن شب همراه من کوکائین مصرف کرد و نیمه شب نیز با هم تریاک کشیدیم و بعد خوابیدیم.

صبح که بیدار شدم، به اتاقش رفتم و صدایش زدم اما پاسخی نشنیدم. نگران شدم و بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم. وقتی آنها آمدند و وضعیت او را بررسی کردند، متوجه شدند فوت شده است.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنبایی پلیس آگاهی پایتخت در این باره به جام جم گفت: باتوجه به مرگ مشکوک دختر جوان قرار شد که پزشکی قانونی علت مرگ او را مشخص کند. پسر مورد علاقه اش به عنوان مظنون در مرگ او در بازداشت به سر می برد و تحقیقات ادامه دارد.